

"ندا" خون خدا در پای آزادی

ندا نترس
ندا بمون...
وای رفت.....بی شرفها...کشتند



ندا نموند ولی نترسید

ایمیل را گشودم، از تهران برایم به ضمیمه ویدئویی فرستاده بودند. با یقین به اینکه طبق روال این روزها ویدئوی تظاهرات است، آنرا گشودم. ولی با دیدن فیلم کوتاه آماتوری که با تلفن موبایل گرفته شده بود. بر روی صندلی ام وا رفتم و سرم را در میان دستهایم گرفتم. دختر جوانی گلوله خورده بود، کنار پایش روی زمین یک دایره خون آلود نقش بسته بود. مردی مو سفید که به پدرش می ماند و بعدها فهمیدم استادش است به همراه چند پسر جوان که به نظر می آمد از دوستانش باشند در کنارش بودند. همه چیز در چند لحظه، خیلی سریع اتفاق افتاد: دانشجوی جوان بر روی زمین دراز کشید. مرد مو سفید دستش را روی زخم گلوله گذاشته و سعی می کرد با تمام توانش جلوی خون ریزی را بگیرد، ولی خون از دهان و بینی او به سمت راست صورتش جاری شد. چشمهایش به یک سو رفتند.... فریاد جگرسوز استاد و دوستانش شنیده می شد:

ندا نترس، ندا نترس... ندا بمون... ندا بمون... ندا...
وای..... کشتند.....بی شرفها...
ندا.....

و ندا پروازش را آغاز کرد. ندا خون خدا شد. ندای آزادی یک ملت در زنجیر شد.

ندا پایان نیافت. آغاز شد

.... و ندا از خون خود بر میخواست، برمیخواست تا خورش آیه و حجت زمانه شود. مثل خون حجت زمانی و ولی الله فیض مهدوی و ندا می رفت تا خورش آتشی بر قلبها بیافکند و ریشه این جلادان را بسوزاند.

گاهی در مقاطع حساس تاریخی، آنجا که گمان نمی رود. خون پاک و بیگناهی معصومانه بر زمین ریخته میشود. خونی که دفتر تاریخ را ورق زده و روزگار کهنه را به آتش می کشد. خونی که آتش در دلها می اندازد و بنیاد ظلم و ستم را می سوزاند. من آنرا خون خدا می نامم. خون خدا، خون روزگار، وجود، هستی هر چه که می خواهید اسمش را بگذارید، اما این خون، تاریخ را دگرگون کرده و راه ملتی را عوض میکند. خون آزاد کننده از هر قید و بندی.... خونی که جوشش انقلاب و آزادی در رگهای یک ملت است. خونی که پایان یک عصر و آغاز عصری جدید است. عصری جدید برای ملتی که می خواهد غل و زنجیر را از دست و پایش بگشاید و آزادی خودش را رقم بزند. آزادی هرگز بدون خون بدست نیامده است. هرزایمان و تولد جدیدی با خون همراه است. خون ندا از این جنس است.

" ندا صالحی آقا سلطان" بیست و هفت ساله، دانشجوی فلسفه که در سی خرداد سال 1988 - درست 28 سال بعد از آن اتمام حجت تاریخی مردم ایران با رژیم دیکتاتوری ولایت فقیه در سی خرداد سال 1360- به شهادت رسید. متعلق به هیچ جناحی در این حکومت نبود. متعلق به انقلاب مردم ایران بود.

[بنا به مصاحبه ی دوستش با سایت بی بی سی :](#)

" هدف ندا موسوی یا احمدی نژاد نبود. هدفش وطنش بود و برایش اهمیت داشت که در این قدم بردارد. بارها اشاره کرده بود که حتی اگر جانش را از دست بدهد و گلوله به قلبش بخورد. در همین راه قدم برخواهد داشت. به نوعی به نظر میرسد طرفداران موسوی " ندا" را به او ربط داده اند. اما ندا فوق العاده به من نزدیک بود، ندا هرگز طرفدار هیچ یک از این دو گروه نبود. ندا خواهان آزادی بود. آزادی برای همه. ندا با وجود سن کمش به خیلی ها درس بزرگی داد"

فردا پنجشنبه شب هفت ندا است - 4 تیر 1988 = 25 ژوئن 2009- " ندا" به عنوان سمبل پیاخاستن مردم ایران بر علیه تمامیت رژیم ضد انسانی ولایت فقیه. به همین مناسبت در ایران و سراسر جهان قرار است ایرانیان آزاده شمع به دست بگیرند.

در هر کجای جهان شمع وجودمان را به یاد "ندا" به عنوان سمبل تمامی شهدای انقلاب مردم ایران برافروزیم و ندای آزادی را فریاد بزنیم. باشد که این نورهای کوچک به هم پیوند بخورند تا این شب سیاه پایان یابد و خورشید آزادی از پس کوههای ایران زمین بدمد.

[ندا نموند ولی نترسید.](#)

حجتش را بر تک تک ایرانیان تمام کرد. ندا خون خدا بود. ندا خون خداست. خون آزادی است. خون برخاستن است. برای همین است که نام خیابان کارگر شمالی، محلی که ندا به خون کشیده شد، توسط مردم به " ندای آزادی" تغییر یافت و در شعارهای مردم تهران جانی تازه یافت :

روز عاشورا و این جا کربلا است ما همه در خون و اسم ما " ندا" است

[ویدئوی ندا در راهپیمایی . لحظاتی قبل از شهادت](#)

<http://www.youtube.com/watch?v=fTBsXXm74e0&NR=1>

[صحنه ی شهادت ندا در جمع یارانش](#)

<http://www.youtube.com/watch?v=z6vtvCMhWuU&NR=1>

ترانه انگلیسی به یاد ندا

Neda (You Will Not Defeat The People

شما مردم را شکست نخواهید داد

<http://www.youtube.com/watch?v=ivdKvsW2kmM>